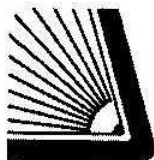


۱۴۲۹ ۲۰۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجَعَلْتُكُمْ مَوَاسِيَةً

مدیریت مفهوم در طراحی صحنه

رسول حق شناسی



انتشارات نظری

سرشناسه	حق شناس؛ رسول/ ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور	مدیریت مفهوم در طراحی صحنه/ رسول حق شناس
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری	۹۶ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۵۱۷-۲
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	تماشاخانه ها صحنه آرایی و دکور
ردیفی کنگره	۱۳۹۵ ح ۷ ص ۳ / PNY۲۰۹۱
رده کتاب دیویی	۷۹۲/۰۲۵
شماره کتابشناسی	۴۳۹۱۳۷۹



انتشارات نظری

نام کتاب: مدیریت مفهوم در طراحی صحنه

نویسنده: رسول حق شناس

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰

«کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص ناشر محفوظ می‌باشد»

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین اسدآبادی (یوسف آباد)

نیش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۱، طبقه ۲، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

فهرست:

۷.....	سخن نویسنده
۹.....	خلاصه ای از فعالیت های مولف
۱۷.....	دیباچه
۱۹.....	پیش نیاز
۴۲.....	پیش گفتار
۴۵.....	مقدمه
۴۷.....	درک مفاهیم در طراحی صحنه
۵۷.....	تکامل مفهومی یک طرح صحنه در طراحی صحنه
۵۷.....	اجزاء اساسی در طراحی یک صحنه نمایش
۸۳.....	اصول مدیریت مفهوم در یک طراحی صحنه
۹۵.....	آخرین نکته های باقیمانده اینکه
۹۷.....	کاربرد فرم های زاویه دار در ایجاد طراحی صحنه
۹۷.....	ضد فرم ها در مقابل فرم ها
۹۹.....	ساختار شکنی هدمندولی غیر متعارف
۱۰۰.....	طراحی صحنه با قابلیت مرکز گریزی
۱۰۱.....	صحنه های پرسپکتیو اتور و استفاده از خطای چشم
۱۰۳.....	چند نمونه تصویری از طراحی صحنه

سخن نویسنده :

ابتدای کلام به نام خدا یعنی سلام...

بعد از چاپ و انتشار اولین اثرم (تئاتر درمانی کاربردی) و شروع مشکلات عدیده آن از جمله تحریم و تقبیح دوستان که چرا این و چرا آن !!! و بعد از جلسه نقدی که از همه چیز صحبت شد، حتی از اینکه جلد کتابم چقدر وحشتناک است، آلا محتوای اثر و به قول دوستی که گفت (بزرگوار نوشتم) و یا به قول دوست دیگری که گفت ((برای چه این کارها، ای عوام ناآشنا به خطوط تئاتر)) و انواع دیگر این قوال ؛ کم کم تصمیم گرفتم که ((دیگه ولش کن...)) اما خب اگر یک اشتباه را چند بار تکرار نکنیم که دیگر انسان نیستیم ! هستیم ؟؟؟ البته این هم از دردسر جدید ! خدا عاقبت این یکی را ختم به خیر کند. با هم همان جملات قدیمی در مقدمه کتاب قبلم را تکرار میکنم که نگریند: ((ترسیده!!))

این چندپاره اوراق گفتارم را تقدیم میداره به آن که سنگ راهم شدند، طرح هایم را به خاطر آنکه خاک خورده بود رد کردند یا گفتند از سر بی سوادى کار میکنم ، تا مجبور شوم برای هدفم از رویشان پرواز کنم و تقدیم میدارم به آنانی که یار رسم شدند تا مجبور شوم برای حفظ آرامش و اعتمادشان از آسایشم بگذرم.

و تقدیم به همسرم ((سمیه کیا دربندسری)) که برایش همسر جنتلمنی نبوده ام و وقتی به کارم می اندیشیدم ، از وقت هایش به من وام میداد تا بیشتر و بهتر مبارزه کنم، و یاد آوری برای فرزندانم

که کودکان دنیا را فراموش نکنند چه معلول و چه معمول و از بی مهری مسئولین نرنجد و از دعوتنامه های دیگران ذوق زده نشود، و این را بداند ((تعزُّ من تشاء و تزلُّ من تشاء)) عزت در دستان هیچ مدیر و مسئول و داور و دبیری نیست .
تقدیم به آنکه میداند:

خداوند دوبار میخندد، بار اول آنگاه که جماعتی قصد رفیع نمودن شخصی را دارند و خداوند او را کوچک میکند و آنگاه که جماعتی قصد کوچک نمودن شخصی را دارند و خداوند او را رفیع میگرداند، و ((اسرار - ان)) در خنده خداوند نهفته است.

رسول حق شناس